

مختصری درباره عا‌ج‌های تپه حسنلو

در بخش پیش از تاریخ موزه ملی ایران

منصور آبیار
موزه ملی ایران

مقدمه

دوران پیش از تاریخ شمال غرب ایران، به ویژه اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد گشوده است. این ناحیه در اوایل هزاره اول قبل از میلاد، یکی از مراکز حکومتی کشور مقتدر ماننا (مانا) بوده است.

تاریخچه حفاری حسنلو

نخستین کاوش در تپه حسنلو، در سال ۱۳۱۳ شمسی انجام شد که تنها جنبه تجارتي داشت، سرورل اشتاین^۱، که به قصد مطالعه تاریخی و پیدا کردن راههای قدیمی غرب ایران، در سال ۱۳۱۵ بدین نواحی مسافرت کرد، در چند محل از تپه، به طور آزمایشی خاکبرداری کرد و به معدودی شیء دست یافت. در سال ۱۳۲۶، برای نخستین بار محمود راد از طرف اداره کل باستان شناسی در این تپه به کاوش پرداخت. سپس این فعالیت با همکاری علی حاکمی در سال ۱۳۲۸ دنبال شد. در سال ۱۳۳۲ آقای دایسون^۲ از دانشگاه پنسیلوانیا کاوشهای تپه حسنلو را مجدداً آغاز کرد. این حفاریها تا سال ۱۳۵۳ شمسی (۱۹۷۴ میلادی) ادامه داشت. هیئت کاوشهای حسنلو، ضمن حفاریهای چند ساله خود، موفق به تشخیص هفت دوره مختلف شد. قدیمترین این دورهها متعلق به هزاره سوم و آخرین آن

تپه باستانی حسنلو، در جلگه سلدوز، در ۸۵ کیلومتری جنوب ارومیه قرار گرفته است. تمامی این جلگه از رودخانه‌ای به نام گذار مشروب می شود. این تپه از سمت شمال به دریاچه ارومیه و رشته کوههای غربی آذربایجان و از جنوب و مغرب به کوههای



معروف به لاهیجان و شهر مهاباد محدود می شود. ناحیه‌ای که حسنلو در آن واقع است، روزنه‌ای را بر

۱ - Sir Aurel Stein سیاح و شرقشناس مشهور انگلیسی که حسنلو را در سال ۱۳۱۵ (۱۹۳۶ م) دیده و در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ آسیای مرکزی را سیاحت کرده است.
۲ - Dyson باستان شناس آمریکایی که طی سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۷ در پروژه پیش از تاریخ ایران در نقاطی از جمله حسنلو و تپه حصار به کاوش پرداخته است.

مربوط به بعد از عصر مادها بود. معروفترین دوره حسنلو، دوره IV است، که آثار قرون دهم و نهم قبل از میلاد را در بر دارد.

عاجهای حسنلو در بخش پیش از تاریخ موزه

وجود عاجهای حسنلو، سهم بسیار مهم و بزرگی در شناخت تاریخ هنر و باستانشناسی خاور نزدیک دارد. تمامی این عاجها با شیوه علمی حفاری به دست آمده‌اند و شناخت محل کشف آنها بسیار با اهمیت است. تعداد قطعات و پیکره‌های انسانی و حیوانی عاجهای موجود در موزه، بیش از ۴۰۰ قطعه است. عاجهای حسنلو تاریخی مشخص دارند. آنها کمی به قبل از خرابی حسنلو که احتمالاً چند سالی قبل از ۸۰۰ ق. م. اتفاق افتاده مربوط می‌شوند. این عاجها از نظر کمی و کیفی بعد از مجموعه نیمرو، گروه دوم در خاور نزدیک هستند. از مجموعه عاجهای حسنلو چنین بر می‌آید که احتمالاً توسط مردمان بومی ساخته شده‌اند. عاجهای حسنلو، دارای صحنه‌های اساطیری و رزمی، مانند صحنه‌های جنگ، بزم و شکار و ضیافت و عیش و نوش، با نقوش انسان، حیوان و پرنده‌اند.

دوره تاریخی عاجها

و مقایسه آن با تمدنهای همجوار

بیشتر عاجهای به دست آمده از حسنلو، سبک محلی دارند، اما تعدادی نیز به سبک شمال سوریه و شماری هم وارداتی از آشورند. به نظر نمی‌رسد که هیچ‌یک از انواع آشوری در محل تقلید شده باشند، ولی انواع عاجهای شمال سوریه، می‌تواند در سبک محلی تأثیر گذاشته باشد که در این میان می‌توان به مجسمه‌ها، نقش برجسته‌های حیوانی، مخصوصاً شیرها و مجسمه‌های کامل انسانی اشاره کرد. عاجهای آشوری در حسنلو، محدود به پلاکهای مربوط به اسباب و اثاثیه است، در حالی که عاجهای شمال سوریه متنوع و ظروف شیر مانند، پیکره‌های حیوانی و انسانی، نیلوفر و

جز آنها را در بر می‌گیرد. گروهی از پلاکهای نقش برجسته با نقش گاو بالدار، در کارگاههای ایرانی که هنوز محلشان مشخص نیست ساخته شده‌اند. برخی از موتیفهای سبک محلی به ظاهر دارای مشخصه ایرانی‌اند. بعضی از نمونه‌های ایرانی در بین‌النهرین و شمال سوریه نیز دیده شده‌اند؛ مانند سرپوشهای گل و برگدار، ردیف انسانی، صحنه‌های ضیافت، الهه و حیوانات.

شدت آتش سوزی، ویرانی و انهدام بنایی که این عاجها از آن به دست آمده‌اند، به قدری بوده است که بسیاری از آنها به قطعات ریز بدل شده‌اند. چنین وضعی را در دیگر جاهایی که عاج از آنها به دست آمده، ندیده‌ایم. این ویرانی شدید، ناگهانی و سریع، باعث مرگ بسیاری از ساکنان منطقه شده که اسکلت‌های زیادی از آنان، در محوطه حفاری به دست آمده است. به نظرمی‌رسد که دشمن چیز زیادی را از شهر نتوانسته است ببرد، پس شهر خراب شده را چون قبرستانی برای ساکنان و اشیای متعلق به آنان ترک کرده است. آنچه معلوم و پذیرفتنی است این است که ارک شهر به دست اورارتویها آتش گرفته و به طور کامل ویران شده است، ولی این موضوع که افراد ساکن این منطقه چه نژادی بوده‌اند و چه زبانی داشته‌اند، در بوته ابهام مانده است. در نتیجه، ما نیز عاجها را به نام محل کشف آنها می‌خوانیم. به نظر می‌رسد که تمام عاجها و دیگر اشیای به دست آمده از بنای سوخته در طبقه دوم قرار داشته‌اند. این عاجها به هنگام ویران شدن بنا و در نتیجه آتش سوزی، به اطراف پراکنده شده‌اند. از این رو ارتباط آنها به صورت یک مجموعه با محوطه حفاری، از دست خارج شده است. عاجهای حسنلو در محل اصلی خود تا زمان ویرانی کاربرد واقعی داشته‌اند.

عاجهای تپه حسنلو در چهار دسته و سبک متفاوت به دست آمده‌اند که عبارتند از:

۱- سبک محلی

۲- سبک ایرانی از محلی نامعلوم

۳- سبک شمال سوریه

۴- سبک آشوری

عاجهای حسنلو، که بین سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۴ از حفاریهای علمی به دست آمده‌اند، به طور کلی به ساختمان سوخته ۱۷ متعلقند. از آنجا که تاریخگذاری این قطعات قبل از ۸۰۰ ق. م. رانشان می‌دهند، برای به دست آوردن شناخت بیشتر از شمال غرب ایران در هزاره اول قبل از میلاد می‌توانند راهگشا باشند. با توجه به این موضوع، لایه نگاری حفاری حسنلو در ارتباط با این عاجها، کمک مؤثری به عاجهایی که از زیویه به دست آمده می‌کنند. هم چنین اهمیت یکسانی با مجموعه بزرگ حفاری شده در پایتخت آشوری نیمروود که توسط ملوان ۳ حفاری شده است، دارد.

به نظر می‌رسد که صحنه‌های کوچک، ردیفهای انسانی قطعات عاج حسنلو، از نقش برجسته‌های کاخهای آشوری قرن نهم پیش از میلاد ملهم شده باشند، که این خود حکایت از انتقال یک فرهنگ، از منطقه‌ای به منطقه دیگر یا از فرهنگی بزرگتر به فرهنگی کوچکتر دارد. این قطعات در هنگام انهدام محوطه، آسیب زیادی دیده‌اند و در طی دوره‌های بعد نیز در زیر خاک فاسد شده‌اند. اکثر عاجهای حسنلو در بخش پیش از تاریخ موزه موجودند. از این میان در گذشته‌ای دور چند قطعه از آنها به موزه متروپولیتن نیویورک و موزه دانشگاه پنسیلوانیا در فیلادلفیا، داده شده است. عاجهایی که به سبک محلی در محل کنده شده‌اند در شیوه‌کننده کاری جزئیات، تناسبات و فرمها وجه مشخص و مشترکی دارند. این خصوصیات می‌توانند ما را در تبیین و تشخیص عاجها و اشیای این تپه از مناطق دیگر یاری کنند. تنوع اشیای به دست آمده از نوع محلی نشان می‌دهد که هنرمندان از شیوه‌ای عام در هنر و تجربیات خود پیروی کرده‌اند و مطمئناً این نظر را

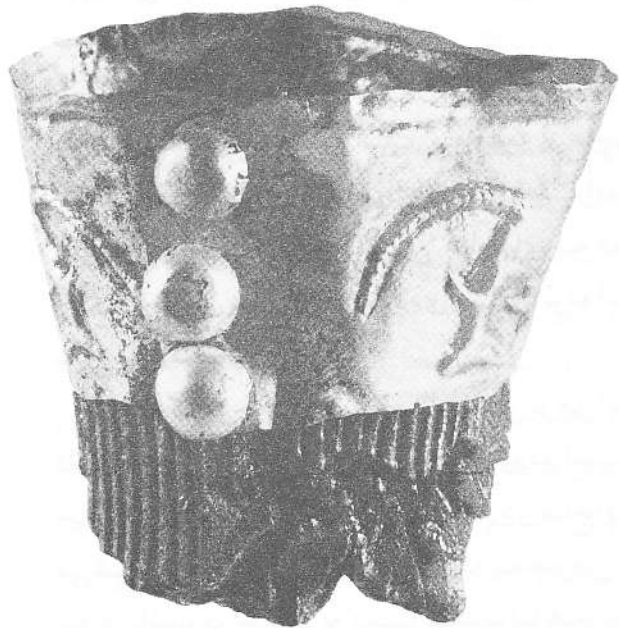
ثابت می‌کند که تشخیص سبک محلی در حسنلو صحیح باشد.

عاجهای سبک محلی تنها در دو ساختمان BBI غربی و BBII مشاهده شده است. سه قطعه از عاجهای BBIV شرقی، آشوری و تمام عاجهای به دست آمده از BBV از شمال سوریه‌اند. بیشترین عاجهای به دست آمده در حفاری سال ۱۹۶۴ میلادی، از BBII بوده است. شیوه‌های کنده کاری

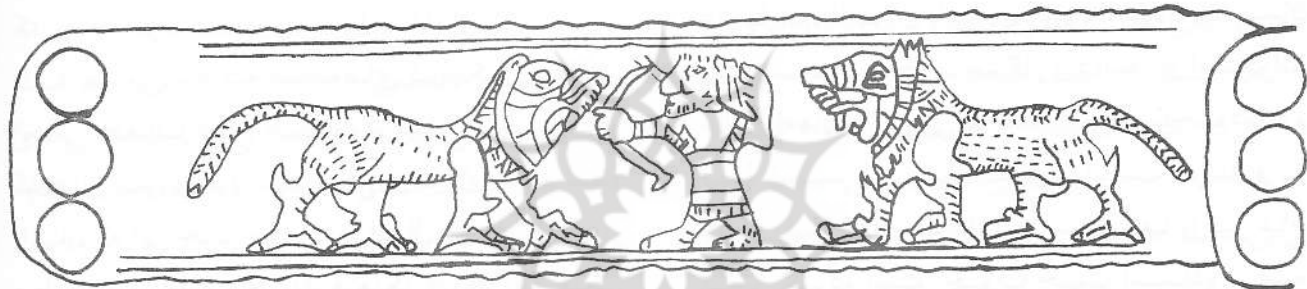
از مدارک موجود در باره حسنلو چنین بر می‌آید که فلزکار و حکاک عاج، هنرمند واحدی نبوده است. در حالی که نقشها در سبک محلی، هم در عاج دیده می‌شوند و هم در فلز کارگاهی نیز که مخصوص عاج سازی باشد، در حسنلو به دست نیامده، اما هیچ یک از عاجها هم، ناقص و ناتمام نمانده‌اند. همان هنرمندان روی استخوان و چوب هم کار کرده‌اند. از استخوان، غالباً لوله‌های نازکی می‌ساختند که برای ساخت دسته و قبضه شمشیر و ترصیع چشمها مناسب بودند و به کار می‌رفتند. خانم «پرادا» این استخوانها را نیز عاج تصور کرده است. چوب جهت استفاده ترصیع صفحه‌های صاف و مجسمه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. تنها، تبدیل شدن چوبها به زغال بر اثر سوختن باعث باقی ماندن آنها شده است و بقیه چوبها، احتمالاً یا در اثر سوختن کامل در آتش سوزی از بین رفته، یا کلاً فاسد شده‌اند. این موضوع که چوبها و عاجها را یک هنرمند حکاکی کرده باشد، با وضعیتی که ما در خاور نزدیک داریم، مطابقت دارد. فن کندن عاج و الصاق قطعاتی تزئینی از طلا در حسنلو، تفاوتی با دیگر محوطه‌ها ندارد. از این نوع، یک نمونه در بخش پیش از تاریخ موزه موجود است، که از زیباترین و جالبترین انواع خویش است و آن قطعه‌ای سوخته از عاج است که بر

۳- Mallowan ملوان، باستان‌شناس آمریکایی که در قسمتی از ایران و بین‌النهرین کار کرده است.

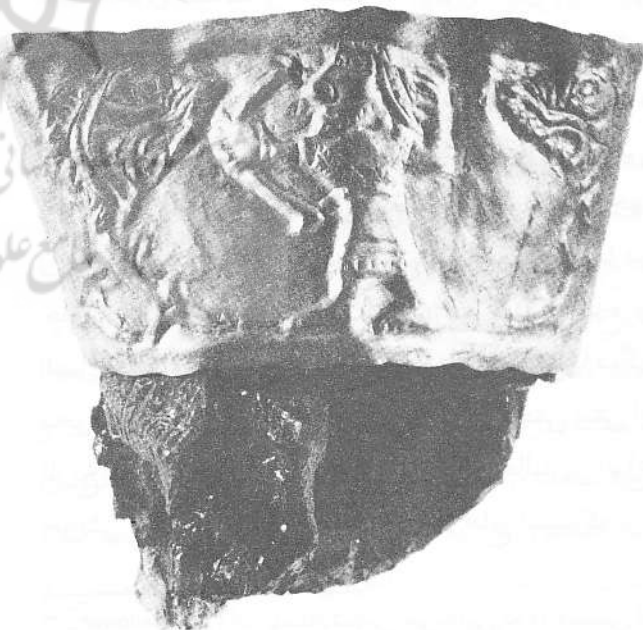
روی آن پوشش نازکی از طلا، با نقوش برجسته دو شیر و یک کمانگیر نقش شده است. علاوه بر این نقوش، دو ردیف گل میخ طلا روبه روی هم قرار دارند که هر ردیف آن، از سه عدد گل میخ که یکی بالای دیگری قرار گرفته‌اند تشکیل شده است. این قطعه، ممکن است قسمتی از سر یک مجسمه بوده باشد. کمانگیر ایستاده، شیر سمت چپ را نشانه گرفته و احتمالاً تیر از کمان رها شده است. جامه کمانگیر تا پشت پابلند است و آستینهای کوتاه و کمربندی هم دارد. این شیء از ساختمان شماره ۲ BBII اتاق شماره ۷ به دست آمده است.

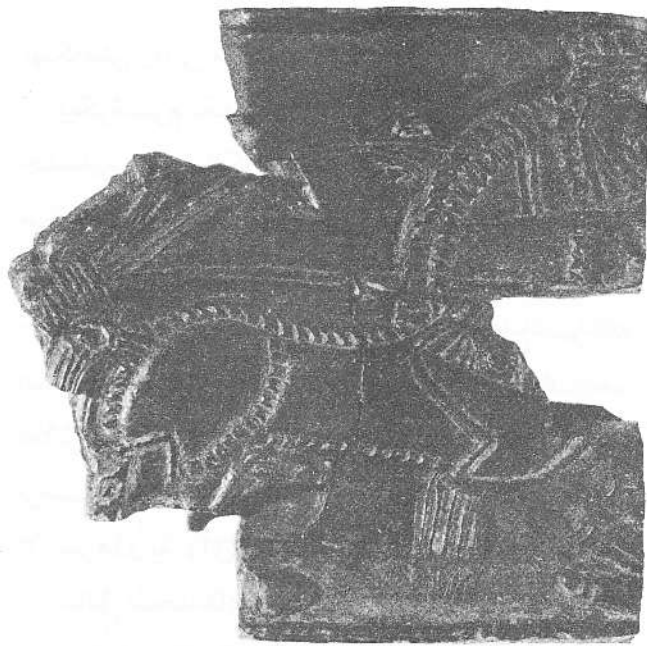


هیچ یک از پلاکهای عاج حسنلو، شکل کامل خود را حفظ نکرده است. از قطعات به دست آمده چنین



استنباط می‌شود که هیچ اندازه و استاندارد وجود نداشته است. ابزار به کار رفته در حسنلو را تنها می‌توان از روی نقش عاجها مشخص کرد، و به نظر می‌رسد همان ابزاری باشد که در مراکز دیگر مورد استفاده قرار می‌گرفته و از آن جمله است: اره، مته با قطرهای متفاوت، چکش، پتک، پرگار و ... مته‌ها با قطرهای متفاوت، مشخص‌ترین ابزار به کار رفته در بالها، چشمها، یا سوراخهاست. بعضی از عاجها به خوبی صیقل داده شده‌اند و برخی دیگر هم با چسب بر زمینه‌ای به عنوان پایه الصاق شده‌اند. بعضی از عاجهای حسنلو که قطعه فوق‌الذکر از آن جمله است، هنوز بقایای پوشش طلایی خود را دارند. این سبک کار، در تمام خاور نزدیک از دوره‌های مختلف معمول بوده است. هیچ یک از عاجهای حسنلو نشانه‌های الفبایی (حروف نوشته)





دارد. سر حیوان با پوششی که با پر منقوش است پوشیده شده و زمام اسب که به حلقه دهنه وصل است پس از عبور از گردن و سینه اسب با دستان ارابه‌ران، کشیده شده است. لبه بالا و پایین این پلاک سالم و دست نخورده و دارای یک باند برجسته است. این پلاک به ساختمان سوخته شماره ۲ BBII اطاق ۷ متعلق بوده است.

۲- پیکره حیوانات

پیکره‌های حیواناتی که از عاج ساخته شده‌اند یک گوساله و سه شیر را شامل می‌شوند: پیکره گوساله از عاج سوخته سیاه‌رنگ است. این حیوان در وضعیت چمباتمه با سر برگشته بر روی بدن است و موهای پشت ران و سر و گردنش به صورت حلقه‌های کنده کاری ارائه شده‌اند؛ طره‌های گوشه دار موهای شکم آن را تشکیل می‌دهند؛ چشمهای گوساله برای مرصع‌کاری خالی شده است. این پیکره از جالبترین و زیباترین پیکره‌های عاج حسنلو، در بخش پیش از تاریخ ایران است.

پیکره دوم شیری به حالت چمباتمه از عاج سوخته است. دهان شیر باز، بدنش برجسته، شانه‌ها، چشمها و

ندارند؛ ولی روی عاجهای نیم‌رود و سامره حروفی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد نشانه مخصوص حکاکان و مونتاژکاران باشد.

طبقه بندی و موضوع نقوش عاجهای حسنلو

۱- صحنه‌های جنگ (ارابه‌ها، سواره نظام و

جنگجویان)

۲- پیکره حیوانات

۳- سرها و بدنهای انسانی شامل صحنه‌های مختلف

و حرکت‌های مذهبی

۴- حیوانات، پرندگان و صحنه‌های شکار

۵- درختان، گیاهان و جز آنها

۶- ساختمانها و بناها

۱- صحنه‌های جنگ

در پلاکها ارابه را بانقشهای زیرکنده‌اند:

نقش یک ارابه با چرخهای ۶ پره؛ تیری که از ارابه‌ای پرتاب شده؛ اتاقک عقب ارابه جنگی که با خطوط متقاطع منقوش است (شبهه این اتاقک، تاکنون از حسنلو به دست نیامده است)؛ نقش سر جنگجویی با بینی بزرگ و چشمانی گرد، که در دست نیزه‌ای دارد و آن را به سوی اسبان نشانه رفته است؛ نقش دو جنگجو که یکی شمشیری را به چرخش در آورده، دیگری سپر و نیزه در دست دارد؛ بر پلاکی دیگر، بدن و یراق اسبی با جزئیات فراوان و زنگوله‌ای برگردن دیده می‌شود؛ جنگجویان در یکی از پلاکها، پابرنه‌اند و جامه حاشیه دار بلندی تا زانو دارند. در پلاکی دیگر جنگجویی با کلاه‌خود پرداز نقش شده است که کلاه خودش محافظ گوش ندارد.

یکی از بهترین نوع عاجها، قطعه پلاکی از عاج سوخته سیاه‌رنگ است که نقش یک اسب و ارابه بر آن کنده شده است. بدن اسب را طرح طناب مانندی احاطه کرده، و یالها با نقوش جناغی مشخص شده‌اند. اسب نقش شده، نر است و منگوله‌ای نیز در زیر بدن

تهیگاهش زمانی مرصع بوده‌اند.

پیکره سوم یک شیر از عاج سوخته ناقص است با چشمانی بیضی شکل که آثار استفاده از مته در آن دیده می‌شود. یالهای شیر با لوزیهایی که به طور منظم پهلوئی هم قرار گرفته‌اند منقوشند.

آخرین پیکره، سر کامل یک شیر، از عاج سوخته است. دهان شیر باز است و دندانهای نیش حیوان با هم تماس دارند. یالش دارای طره گوشه دار و بینی اش برجسته است.

۳- سرها و بدنهای انسانی،

شامل صحنه‌های مختلف و حرکتهای مذهبی

تعدادی پیکره کوچک از سرهای انسانی در موزه موجود است. یکی از این پیکره‌ها که در نوع خود کم نظیر است و سر یک انسان از عاج سوخته است، رنگمایه آبی دارد، این سر جز از ناحیه بینی و قسمتی از

گوشها و پشت سر سالم است. بر روی سر کلاهی شبیه کلاه چوگان بازان هست که به طور عمودی تراش خورده است. موها را با طرح زیگزاگی برجسته نمایانده‌اند، چشمهاکنده کاری و به شکل بیضی و مردمک آنهاگود و مرصعند. ابروها را برای ترصیع به طور عمیق کنده‌اند. گونه و گوشها برجسته و لبها نازک و کوچک است.

این سر به یک زن تعلق دارد و می‌توان آن را با نمونه‌های دیگری از نیمروود مشابه دانست. آقای ماسکارالا^۴ معتقد است که این سر از ناحیه نیمروود به حسنلو آورده شده است. این سر، از ساختمان سوخته شماره ۲ BBII، اتاق شماره ۷ کشف شده است.

به طور کلی نقوش انسان به صورتهای زیر در پلاکهای مختلف عاج حک شده است:

انسان با دهان کوچک، چانه باریک و دراز، بینی تیز و برجسته، ابروها به صورت منحنیهای موازی و مته کاری شده، چشمان بیضی و بزرگ که قبلاً مرصع بوده‌اند، لبهای کلفت و خشن، گوشهایی به شکل S، پوششی بر گردن، تاج یا کلاه پردار بر سر، موها بلند و به طور مستقیم تا شانه آویزان، گاهی دارای گیس بند و گاهی نیز به کمک خطوطی افقی جمع و به عقب ریخته شده است. مردها با موی و ریش کوتاه یا بلند، جامه‌ها گاهی با آستین کوتاه و حاشیه دوزی شده و تزیین یافته، و گاهی کمربند دار و بدون آستین. انسانها که غالباً مرد هستند، گاهی با صندل و پوتین کوتاه و زمانی هم پابرهنه با ساق پاهای ضخیم.

۴- حیوانات، پرندگان و صحنه‌های شکار

از حیواناتی که بر روی پلاکهای عاج حسنلو کنده شده‌اند، می‌توان به شیر، گاو، اسب و گوزن و از پرندگان به هوبره (بو قلمون وحشی) و مرغابی اشاره کرد:

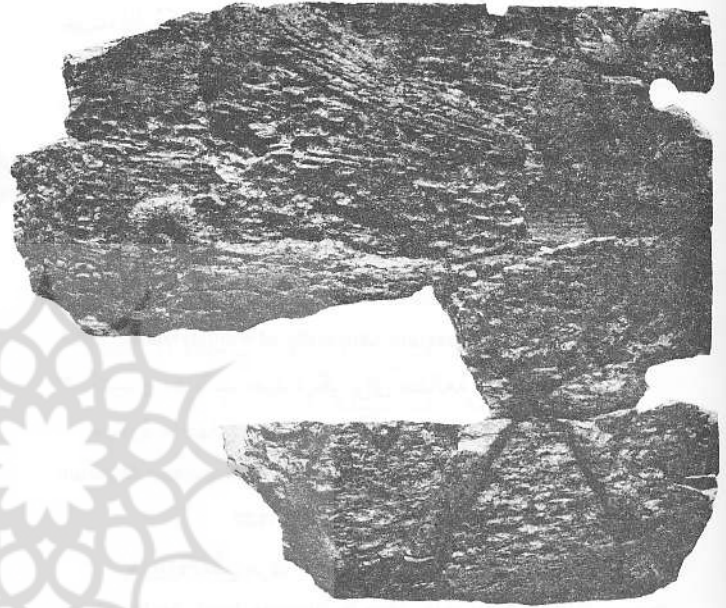
۴ - Muscarella ماسکارالا، باستان‌شناس آمریکایی و از مسئولان گروه هنر و دیارتمان شرق میانه موزه متروپولیتن که در ترکیه و چند محوطه از ایران از جمله حسنلو کار کرده است.



حیوانات

الف - شیر

شیرها اغلب در غرش، با دندانهای برجسته، پاها به صورت پنجه‌ای، پنجه شش انگشت، یالها تزیین یافته به صورت دسته موی گوشه‌دار یا دسته موی مثلثی، بال شیرهای بالدار را با طرح جناغی حک کرده‌اند. شیر را در جدال با اسب در قسمتی از صحنه درگیری یک ارابه‌ران با یک شیر نیز می‌توان مشاهده کرد.



ب - گاو

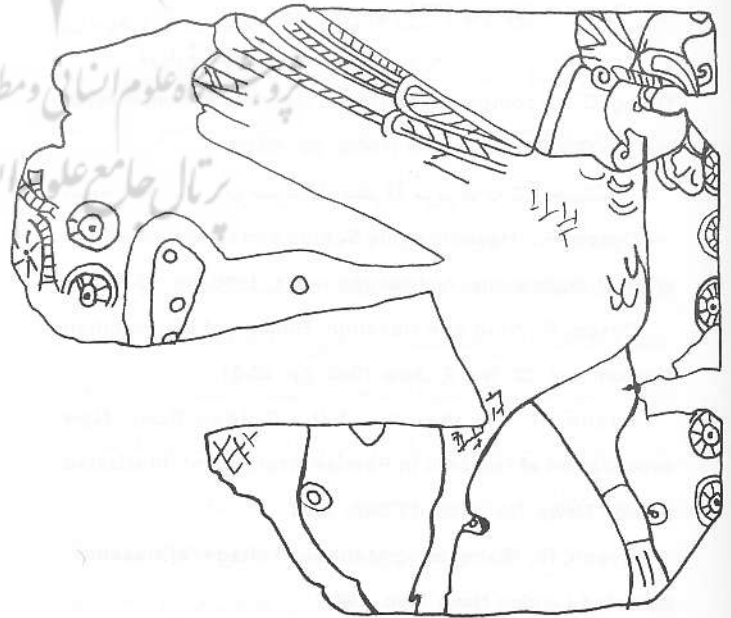
گاو را می‌توان بر روی پلاکها به صورت گاوهای بالدار با چشمان بیضی برجسته، زانوی خمیده، با بدنی که با خطوط کنده کاری تزیین یافته، مشاهده کرد. یکی از این پلاکها، پلاکی است کرم رنگ با نقش گاوی بالدار، که سطح آن آسیب دیده است، ولی تزیینات بسیار ظریف بدن گاو و بالها، قابل رؤیت است. زیر گوشها، گردن و شانۀ و همچنین پیشانی و پاها حلقه‌های تزیینی دیده می‌شود. بال کشیده و جدا از بدن، و دارای پرهای تزیینی با خطوط جناغی است. شاخ کلفت و کوتاه گاو، در انتها به طرف بالا خم شده است. یک سوراخ مدور، برای اتصال پلاک بر زمینه پایه، روی چشم گاو ایجاد شده است. در مقابل و پشت گاو، چند روزت^۵ که نشانگر میوه و یا شکوفه‌های درختی اند وجود دارد. این درخت مسلماً بر روی پلاک دیگری کامل می‌شده است. این قطعه از ساختمان سوخته شماره ۱ BBI اتاق شماره ۱۰ به دست آمده است.

ج - اسب

پشت و شکم اسب، دارای طرح تزیینی و جناغی است. در یکی از پلاکها اسبی نقش بسته که زنگی بر گردن دارد. این زنگ، احتمالاً تنها مدرک و شاهدهی است که استفاده از زنگ را برای اسبان ارابه‌های جنگی در حسنلو نشان می‌دهد.

د - گوزن

این حیوان در حالت نشسته با پاهای بلند شده، یا در حال راه رفتن نشان داده شده است. شاخهای گوزن، قطور و پشتش با خطوط جناغی تزیین یافته و سم آن نیز با یک برجستگی نشان داده شده است.

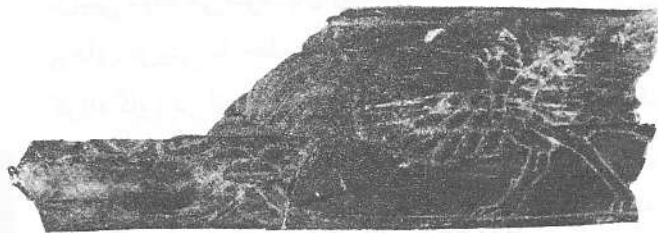
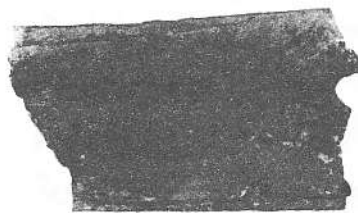


۵ - Rosette واژه‌ای است فرانسوی که برای گل‌هایی شبیه گل سرخ به کار می‌رود. در باستان‌شناسی نقوشی از این نوع را که در هزاره اول ق. م. معمول است با این اصطلاح می‌شناسند.

پرنندگان

الف - هوبره

هوبره‌ها در حال دويدن، يا در حالی که بالهای خود را در اطراف درختی گسترده‌اند، نشان داده شده‌اند.



ب - مرغابی

نقش این پرنده را تنها در یک طرف قطعه کوچکی از یک جعبه بیضی شکل می‌توان مشاهده کرد.

۵- درختان و گیاهان

این نقش به ندرت روی عاجها مشاهده شده است. درخت را معمولاً به صورت استیلیزه حک کرده‌اند. بر روی قطعه عاج سیاهرنگی که احتمالاً دسته توخالی یا پایه یک شیء بوده است، طرح گیاهی به صورت کاسبرگ دیده می‌شود؛ در چند قطعه دیگر نیز هوبره‌ها در اطراف درختی نشان داده شده‌اند.

۶- بناها

بر روی قطعه‌ای از عاج، قسمتی از سه برج یک شهر نقش بسته است. بر روی قطعه‌ای دیگر، نقش یک ساختمان مشاهده می‌شود. این ساختمان دارای دو برج و یک دروازه است. سر دروازه و برجها شیارهای افقی دارند. نگهبانان که فقط پاهای آنان نمایان است، روی برج ایستاده‌اند. طرف راست این صحنه موجود، سپر

نگهبانان با سپر یک مهاجم برخورد دارد. شخص مهاجم در حال بالا رفتن از یک نردبان است. سرب یک اسب نیز بین قلعه و نردبان نقش شده است.

منابع

۱- از نظر موقعیت، حدود جغرافیایی، سابقه حفاری و تاریخگذاری به کتب زیر مراجعه شده است:

الف - حاکمی، علی، گزارشهای باستان‌شناسی. جلد اول، تهران، اداره کل باستان‌شناسی، شهریور ۱۳۲۹، صفحه ۱ تا ۱۰۰
ب - پرادا، ایدت، هنر ایران. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، از ص ۱۴۸ تا ۱۶۹

ج - کیانی، محمدیوسف، سفال ایرانی. انتشارات نخست، وزیری، تهران ۱۳۵۷، ص ۲۸

۲- در زمینه عاجهای حسنلو به کتاب زیر مراجعه شده است
Muscarella, O. W., The Catalogue of Ivories from Hasanlu, Iran, the University Museum, University of Pennsylvania, 1980.

۳- کتب و مقالات مفید دیگر برای مطالعه منطقه حسنلو درباره عاجهای حسنلو:

Muscarella, Oscar, "Hasanlu 1964", The Metropolitan Museum of Art Bulletin, November 1966. pp. 121-132.

درباره نقش مرد

Dyson, R., "Ninth century Men in Western Iran", Archaeology, vol. 17, No. 1 (Spring 1964). pp. 3-11

درباره سفالهای حسنلو و زیویه

Young, C., "A comparative ceramic chronology from West of Iran, 1500-500 B.C.", Iran III (1965). pp. 53-69

منابع دیگر برای موضوعات متفرقه مربوط به تپه حسنلو:

Dyson, R., "Hasanlu in the Solduz and Ushnu valley, 12 years of explorations" Archaeologia viva 1, 1968, pp. 83-100.

Dyson, R., "Iron age Hasanlu". Bulletin of Metropolitan Museum, vol. 22, No. 2, June 1985, pp. 25-31.

Dyson, R., "In the city of the Golden Bowl. New excavation at Hasanlu in Persian Azerbaijan", Illustrated London News, No. 2198, 12 Sep. 1964.

Dyson, R., "Excavating Mannaean citadel of Hasanlu", Illustrated London News, Sep. 1961.